

سهراب نمرده، بلکه رساله اش بعنوان

”خورشید خراسان - از شخصیت سازی دروغین تاقهرمان پرستی تهوع آور“ اورا زنده جاودان ساخته است !!

از فرزند معنوی ام دانشمند هیوادوال کابلی کمال امتنان دارم که چگونگی تحریف و تصرف ناجوانمردانه سایت (افغان جرمن انلاین) را از رساله جاودان مرحوم سهراب نامراد و هم وفات نابینگام آن دانشمند جوان رادپرورتال (افغانستان آزاد - آزاد افغانستان) برملا ساختند.

رساله ”خورشید خراسان - از شخصیت سازی دروغین تاقهرمان پرستی تهوع آور“ در اواخر سال ۲۰۰۸ توسط پوسته عادی از یک گوشه امریکابمن رسیده بود - بدون نام و آدرس مرسل. از خواندن این رساله و دیدن نام (سهراب)، آن سهراب شاهنامه بخاطر آمد که با رستم پنجه داده بود، و این سهراب بانوک قلم بر رستم های تخیلی غالب شده است؛ اما من این سهراب را نمیشناختم، مگر قلم بران اوراق قابل ستایش یافتم و از لحاظ نگارش برایش فوق العادگی قایل شدم و نمونه ای از نگارش اورتوسط سایت (افغانستان آزاد...) ب توجه مردم رساندم.

وقتی نبشته هیوادوال عزیز رادپرورتال (افغانستان آزاد...) خواندم و ملتفت شدم که او و (سهراب) همفکر و همصنف بوده اند و من افتخار راهنمایی شان در مضامین زبان شناسی و ادبیات انگلیسی داشته ام، باین نکته پی بردم که هر دو در دبستان انسان ساز پوهنخانی ادبیات و علوم بشری پوهننون کابل بار آمده اند. با اعتناب سویه عالی نگارش دانشمند هیوادوال کابلی در زبان دری، در حالیکه او همصنفش مرحوم (سهراب) هر دو تحصیلات عالی رادپرورشته زبان و ادبیات انگلیسی بپایان رسانده بودند، باز هم سویه عالی ادب پروری و انسان سازی پوهنخانی ادبیات راستودم که متاسفانه در ورای اشغال شوروی آن بنگاه عالی دانش آموزی و انسان پروری قصد ابکی منهدم گردید. هاشمیان و امثالش که میبایست در خدمت تربیه اولاد وطن میبودند، در کشور های بیگانه بکارهای غیر مسلکی مصروف شدند.

باور کنید وقتی خبر مرگ نابینگام دانشمند (سهراب) رادرسایت (افغانستان آزاد...) خواندم، رقت دست داد و گریستم؛ توضیح نشده که اورا شهید ساختند یا اجل اورا بجان آفرین سپرده است. بهر حال، اکنون که اواز جهان رفته و یگانه نشانی او همانا اثر جاودانش بعنوان ”خورشید خراسان - از شخصیت سازی دروغین تاقهرمان پرستی تهوع آور“ میباشد، بمنظور خشنود ساختن ارواح آن مرحوم باید این اثر را ب مردم افغانستان در داخل و خارج افغانستان تکثیر کنیم. من عجالتاً طبع دو صد نسخه ”خورشید خراسان...“ را فرمایش میدهم که تا اواسط ماه اکتوبر آماده توزیع خواهد بود، هر مرجع افغانی که خواسته باشد حداقل پنج نسخه بدسترس شان قرارداد می شود. امید است هرافغان وطن دوست بنوبه خود حداقل پنج نسخه از آن کاپی کرده بدوستان خود تکثیر نماید.

در مورد اثر دوام شادروان (سهراب) که بقراریاد داشت دانشمند هیوادوال کابلی از زبان همسر مرحوم سهراب، آن مرحوم در آخرین روزهای حیات خود ”مسوده“ جلد دوم ” آن اثر را بکدام دوست معتمد خود بقسم امانت سپرده بود تا آنرا مخفیانه بطبع برساند، ”ولی متاسفانه نه از آن اثر اثریست و نه هم از آن شخص.“ اگر آن شخص امین حیات باشد و صدای دوستان (سهراب) را بشنود، من مبلغ یک هزار دالر شیرینی گویا تقدیم میکنم اگر آن اثر را به آدرس من بفرستد و یا تلفونی بامن تماس بگیرد تا وسیله تسلیم گیری آنرا فراهم سازم. تعهد میسپارم که محض بخاطر خشنود ساختن روح سهراب مرحوم آن اثر را چاپ و ب مردم افغانستان تکثیر نمایم.

وظیفه خود و همصنفان و دوستان مرحوم سهراب میدانم که به همسر و اطفال یتیم آن مرحوم در خورتوان کمک برسانیم. از دانشمند عزیز هیوادوال کابلی توقع دارم بنوعی که لازم داند بامن تماس بگیرد و پلان و امکانات خود را در باره این خیررسانی بمن برساند. خداوند متعال سهراب اصلی را بپاس حقگوئیهایش و عشق و علاقه ای که ب مردم ستم دیده و کشور بلا کشیده خود داشت، ببخشاید و او را بیدار خود مشرف سازد.

باعرض احترام - سیدخلیل الله هاشمیان - ۳۰ سپتامبر ۲۰۱۰

صحبت دوم

ازسایت محترم (افغان جرمن انلاین) که خدمات برجستهٔ شان در نشر و پخش فرهنگ اصیل افغانی و تامین وسیلهٔ تماس و مخابره بین افغانها، زبانزد عام و خاص شده است، وازکارگردانان دانشمند و با فرهنگ این سایت توقع نمیرفت که قسمتهایی از رسالهٔ مرحوم (سهراب) را با تحریف و تصرف چاپ کنند. در اصول نگارش که من مضمونی بنام "نگارش" را تدریس میکردم، "اقتباس" (یا EXCERPT) یک عمل مشروع است، اما در اقتباس تحریف و تصرف قطعاً مجاز نمیشود. یک معنی کلمهٔ عربی (اقتباس) در نشرات و مطبوعات، برگزیدن و نقل کردن مطلبی از کدام کتاب یا مجله و روزنامه است که باید عیناً و عاری از تصرف صورت گیرد.

حالاکه معلوم شد مرحوم (سهراب) مولف رسالهٔ "خورشید خراسان - از شخصیت سازی دروغین تا قهرمان سازی تبوع آور" شاگرد من بوده، محصلیکه بعد از اتمام تحصیلات عالی خود استاد دانشمند، دردمند و خردمندی بوده، وظیفهٔ خود میدانم از حقوق او دفاع نمایم.

تصور من اینست که در نشر و پخش برشهای تصرف شده از (خورشید خراسان...) بتاریخ ششم سپتامبر، سایت محترم (افغان جرمن انلاین) سهم قصدی و عمدی نداشته، ولی با احتمال اغلب که توسط شخصی با اصطلاح "گول خورده" باشند. بنابراین جبران این اشتباه در قاموس نشرات و مطبوعات همانانشر دوپارهٔ همان اقتباس است بطور عینی و بدون تصرف. امیدوارم گردانندگان محترم سایت (افغان جرمن انلاین) نقضای این همکار و دوستدار خود را صمیمانه بپذیرند.

با تقدیم احترامات فایقه - داکتر سید خلیل الله هاشمیان - ۳۰ سپتامبر ۲۰۱۰

صحبت سوم

پورتال محترم (افغانستان آزاد - آزاد افغانستان) با عمر کم خود بخاطری شهرت نیک و دلپذیر یافته که هدف نشراتی آن حقوقی، تردگویی و خدمت بی مدعا ب مردم شریف افغانستان میباشد. مزید بر آن، مقالات پر معلومات و آموزنده درین پورتال نشر میشود که برای پژوهشگران غنیمت بی بدیل میباشد. بطور مثال در پورتال اخیر ماه سپتامبر بمقاله ای برخوردیم بعنوان "تحولات تاریخی ترکیه و همه بررسی قانون اساسی" بقلم آقای بهرام رحمانی که من آنرا سراپا خواندم. این مقالهٔ پیرامون تاریخچهٔ تحولات سیاسی در جامعهٔ ترکیه از تغییر نظام سلطنت به جمهورییت گرفته تا نوآوریهای دورهٔ اتاترک، کودتاهای نظامی و پیداشدن تمایلات کمونستی و حزب کارگران و کودتاهاس سیاسی و ایدئولوژیک، معلومات جامع و مفید ارائه کرده که برای اشخاصی مانند من که ترکها و ترکیه را بخاطر افغان دوستی شان دوست دارم، ولی معلومات کافی دربارهٔ تاریخچهٔ تحولات سیاسی و اجتماعی و انکشافات اخیر آنکشور ندارم، خیلی مطلوب و آموزنده است، خصوصاً در حال حاضر که میدیای امریکا تحولات اخیر ترکیه را از نگاه منافع خود و اسرائیل وارونه نشان میدهند.

سبک نگارش آقای رحمانی در زبان دری قابل ستایش است، پخته و منسجم مینویسند. تصور من اینست که این مقاله را از منابع خارجی ترجمه کرده باشند، ایکاش ماخذرات ذکر میدادند، زیرا جابجا مطالبی از طرز تعبیر منابع غربی در آن دیده میشود، مثلاً حکومت فعلی ترکیه را بخاطر اسلام گرایی اش یک حکومت "سرکوب کننده" احزاب چپی و متمایل بدوستی بیشتر با ایران "خوانده است؛ طبعاً اینچنین طرز تلقی ها از آقای رحمانی نبوده بلکه از نویسندگانی اصلی مقاله میباشد که نام و مرجعش ذکر نشده است.

آنچه مرا متعجب ساخت، در حالیکه سبک نگارش آقای رحمانی بطور کل مطابق معیارهای زبان دری افغانستان است، اما در چند جا استعمال اصطلاحات ایرانی بنظر میخورد، از قبیل نام ماهها (خرداد - آبان - شهریور - آذر - اسفند - فروردین - اردیبهشت - تیر)، ولی من معادل آنها را در زبان دری تا حال هم نمیدانم، دلیل اینکه از نام ماههای مستعمل در زبان دری

(حمل، ثور، جوزا وغیره) کارگرفته نشده، درحالیکه معادل ماه‌های ایرانی بماه‌های عیسوی نیز ارائه شده است، رانمیدانم. مثال دوم ذکرنام موسسات تربیتی درایران ازقبیل (دبستان و دبیرستان) است که اگر غلط نکرده باشم در زبان دری (ابتدایی) و (ثانوی) میگویند. نزدمن منحیث یک طالب العلم زبان وادب دری این سوال پیداشد که چرا هموطن دری زبان ما، شخصیت دانشمندی مانند آقای رحمانی، درنگارش خود اصطلاحات فوق ایرانی ویا کلماتی ازقبیل (دانشگاه) و (ارتش) را بکار برده‌اند؟ در غیر آن، طوریکه در بالا عرض کردم ازهرمنبعی که آقای رحمانی این مقاله را ترجمه یا تتبع کرده باشند یک کارخیر مطابق باقتضای وقت انجام داده اند، زیرا اخبار راجع به تغییرقانون اساسی ترکیه درمیدای امریکا وانگلیس اغواکننده است، آقای رحمانی ازقول یک موسسه تحقیقاتی شرق میانه درواشنگتن گزارش میدهند که "ترکیه چرخشی ۱۸۰ درجه‌ای ایجاد کرده وضمن نزدیک شدن به ایران وهم پیمانی تهران ازاسرائیل فاصله گرفته است. این امر نشانگر تولد ایدئولوژی درسیاست ترکیه است." درجای دیگر این مقاله ازقول منابع غربی میخوانیم که "چریک‌های اسلامی ترک فعالیت‌های سیاسی مخفیانه در ترکیه دارند اغلب باحکومت اسلامی ایران رابطه داشته... ازچنین طرز تعبیرهای میدیای غرب برمی‌آید که اینها از تغییر مواد عمده قانون اساسی سابق ترکیه ناخوش و ناراضند، مثلاً بگفته دانشمند رحمانی "لغو ممنوعیت حجاب" یعنی تقاضای چادر بسرکردن دختران مکاتب و پوهنتون‌ها را اهانتی به تمدن میخوانند، درحالیکه مردم مسلمان ترکیه باساس کثرت آراء یک تاپورادر کشور خود شکست‌اندند. واین درست دروقتی صورت گرفت که دولت فرانسه بسرانداختن چادر را توسط زنهاى مسلمان در فرانسه قانوناً ممنوع قرار دادند. جهان غرب ودرراس آن انگلیس وامریکا طرفدار متحد شدن کشورهای اسلامی نیستند و آنرا یک خطر برای امپریالیزم جهانی میدانند. اختلافاتی که جهان غرب در بین کشورهای عربی ایجاد کرده بچشم سومی بینیم که شش کشور مسلمان همسایه اسرائیل (عربستان سعودی، اردن، مصر، عراق، سوریه و لبنان) درحالیکه صد برابر اسرائیل نفوس و ثروت دارند، تحت قیادت اسرائیل بسر میبرند! نشر اینچنین مقالات پر معلومات و آموزنده را توسط پورتال محترم (افغانستان آزاد...) یک اقدام نیک برای تنویر خوانندگان آن میدانم و چون شخصاً از آن آموختم، تشکر مینمایم. باتقدیم احترامات - داکتر سیدخلیل الله هاشمیان - ۳۰ سپتامبر ۲۰۱۰.

صحبت چارم

شادروان سهراب دربخش چارم رساله‌اش بعنوان "خورشید خراسان - از شخصیت سازی دروغین تا قهرمان پرستی تهوع آور"، احمدشاه مسعود یا "آمر صاحب درمسند قدرت و حاکمیت" را تحت بررسی قرار میدهد؛ همچنین اوضاع حالات مردم و شهرهای کشور را در تحت تسلط "آمر صاحب" و تماس‌های "آمر صاحب" را با رژیم‌های کمونستی کابل وهم با روسها و قرارداد های مسعود پنچشیری را با سپاه شوروی متمرکز در کابل تشریح میکند که باساس آن مسعود فعالیتها و مبارزه مسلحانه خود را به ضد دیگر سازمانهای مجاهدین براه می‌اندازد.

برای ثبوت مناسبات نزدیک مسعود پنچشیری با رژیم کمونستی داکتر نجیب الله، دو قطعه عکس برای مشاهده مردم شریف افغانستان تقدیم میشود:

(دو قطعه عکس قبلاً ارسال شده است)

صحبث پنجم

باساس اسنادیکه بعد از سقوط دولت کمونستی اتحاد شوروی از آرشیفهای روسی بدسترس مردم جهان قرارگرفت و ژونالست معروف امریکایی آقای بروس ریچاردسن دو کتاب پیرامون تماسها و مناسبات نزدیک احمدشاه مسعود بادولت شوروی وقوماندۀ سپاه شوروی در کابل چاپ کرده است. اسناد دولتی شوروی احمدشاه مسعود را بحیث یک قوماندان متعهد و وفادار بشوروی، یعنی بمثابه یک جنرال شوروی، تعریف میکنند، و ملت ودولت شوروی رامدیون خدمات صادقانه اومیدانند.

پس ای مردم شریف وعدالت پسند افغانستان، آیامیسزد که یک افغان شامل دراستخدام شوروی را "قهرمان ملی" خواند؟؟؟ ملتیکه در برابر اشغال شوروی یکنیم ملیون شهید داده، هرگز این دنائت رانمی پذیرد که یک قوماندان فروخته شده را "قهرمان ملی" بخواند!!!

قابل تذکر میداند که مردم شریف ومبارز منطقه پنجشیر در دوران اشغال کشور توسط سپاه سرخ بسیار مردانه وشجاعانه مبارزه کردند و جنگیدند و صد هاشهید دادند، ولی این مردم شریف هنوز هم از مناسبات مخفی وسری احمدشاه مسعود با روسها پوره خبر ندارند ونمیدانند که احمدشاه مسعود دهها قوماندان شریف ومبارز پنجشیر را که مخالف سازش باشوروی بودند، شهید ساخته است. رساله (خورشید خراسان...) یک قسمت این خیانتهای احمدشاه مسعود را بر ملا ساخته است. این شورای نظار است که قومندان احمدشاه مسعود را "قهرمان ملی" میخواند نه ملت مبارز افغانستان! هرگاه شورای نظار خواسته باشد احمدشاه مسعود را بحیث (قهرمان پنجشیر) بخواند، باید در زمینۀ از مردم شریف پنجشیر همه پرسوی صورت بگیرد. باعرض حرمت - داکتر سیدخلیل الله هاشمیان.